

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی  
۱۲ جنوری ۲۰۲۵



شمی صلواتی

## دردفاع از ارزشها

من از نسل نوجوانان پنجاه و شش یک سال زودتر از پنجاه و هفت، یکی از معترضان به نظام استبداد سلطنتی، به ساواک، به نابرابری ها، در همان زمان هم یکی از کودکان کار با افتخار در فرو ریختن سیستم پهلوی دخیل بودم... به ارتجاع چه از نوع سلطنتی و چه مذهبی باید فهماند که ما ریشه آنها را زدیم و تنه بزرگ آنها را خشکانیدیم ... سلطنت فقط یک شاخه از درخت افتاده «مذهب» در ایران است، سلطنت بدون آخوند و ابزار مؤثر مذهب نمی تواند وجود داشته باشد مگر این که خیلی ضعیف، آنهم درحاشیه جامعه به شکلی زشت و ناپسند ابراز وجود بکند همانطور که این روزها در خارج از کشور می بینیم خودنمایی می کند.

آنچه مهم است ریشه اسلام سیاسی در ایران است. خشکانیدن و نقد عمیق ما کمونیست‌ها به دین و از خودبیگانگی انسان، و تشویق به بازگشت اختیار که نتیجه آن «شعار زن، زندگی، آزادی» بود «موفقیت بزرگ» برای عبور از جمهوری اسلامی و اسلام مان در ایران بود...

ما آگاهان پیشرو در ایران همانطور که تاج و تخت را به باد سپردیم مذهبیبون حاکم بر ایران را نیز به باد سیاه شب می سپاریم این اتفاق در حال وقوع است تا سر آغاز روز نو روشنائی، یعنی تحقق رؤیاهای انسانی «زن، زندگی، آزادی» که دست یافتنی ست باشد ...

افراطیون راست پروغرب ما کمونیست‌ها را که مدافع انسانیتیم، مورد اتهام قرار می‌دهند چون نه مذهبیبون و نه از خود بیگانگان «سلطنت‌طلبان» زمان را نشناخته اند، شرایط اجتماعی امروز ایران و جهان را درک نکردند و نمی توانند بفهمند که کسی برای استفراغ قی شده خود پیازداغ درست نمی کند تا آن را به عنوان غذا صرف کند، چون حال به هم زن هست، سمی ست، حتی تصورش هم سخت است.

اگر واپس‌گرایان «راست افراطی» فکر می کنند که گرگ باران دیده‌اند «بالان‌دیده‌اند» ما، در اوج بی پناهی، در سرمای شدید زمستان، زیر برف سنگین، مرگ را تجربه کردیم، ما از رنج و آزار نمی ترسیم، هر خواب سنگین طمع را دچار

کابوس می‌کنیم ما کسی نیستیم که رؤیاهایمان را به باد بسپاریم ما در پی انقلابیم، در پی تغییر وضع موجود، مصمم در پی تحقق رؤیاهای خویش...

اگر ایدئولوژیهای سلطنت طلب فکر می‌کنند با ترساندن ما، با لمپنهای امروزی خارج از کشور که همان حزب‌اللهی‌های دیروزند، می‌توانند ما را از اهدافمان دور کنند سخت در اشتباهند ما اجازه نمی‌دهیم گروهی ارتجاعی به خود اجازه بدهند شعور مردم جامعه ما را دست‌کم بگیرند.

اگر چه اکثریت مردم در ایران با شرایطی بسیار سختی از زندگی، گرفتار درد و دچار صد زخم کهنه اند، وضعیت بد اقتصادی، نابرابری، خفقان و سرکوب جان را به لب رسانده است، بهتر از هر زمان تاریخی آماده تغییر اند و اعتراضات مردم در اکثریت شهرها هر روزه همه‌گیرتر می‌شود. پیام، پیام انقلاب است، انقلابی برای دگرگونی و تأثیرگذار در سطح جهان...

در این میان سودجویان «راست‌پرو غرب» نگاه شان را به هر سمتی که تولید جهل باشد، می‌چرخانند همراه با هنرمندانی که تا دیروز در رکاب جمهوری اسلامی و امروز در رکاب پسمانده‌های پهلوی به بهانه‌های متفاوت، در ضدیت با ارزشهای انسانی در رؤیای اشرافیت، بنا به ریشه مذهبی و از خودبیگانگی خویش، به طور غیر مستقیم آب را در آسیاب حکومت اسلامی می‌ریزند.

\* هنرمندان از خود بیگانه و غیرمتعهد، بی‌پرنسیب، انگوی در صف راستگرایان خارج کشور، شدند. آنها در پی عرض‌انداز بودند اما خیلی زود شکستند.

در انقلاب کبیر فرانسه هنرمندان در پی لغو حکم اعدام و ارزش‌های انسانی بودند؛

در روسیه نویسندگان بزرگی که آرمان سوسیالیسم را به فرهنگ جامعه تبدیل کردند و انقلاب اکتوبر را آفریدند؛ هر چند نتوانستند به تحقق رؤیاهای انسانی دست پیدا کنند اما توانستند از امپراتوری تزاری عبور کنند، گذشته تلخ را پشت سر گذاشتند این گام جدی رو به پیش بود عبوری از سیستم فئودالی به دنیای مدرن... در جامعه ایران ما، همه چیز به عکس اتفاق افتاد، با کودتای ۲۸ مرداد-اسد-۱۳۳۲ جامعه در «سیاهی مطلق» فرو رفت. آگاهان سیاسی و مبارزان یکی پس از دیگری در بیدادگاه‌های نظامی اعدام و یا در سیاهچاله‌های پهلوی سر به نیست شدند...

کودتای ۲۸ مرداد-اسد-اولین سنگ زیر بنای حکومت مذهب‌یون بود، جامعه از مبارزان چپ، سکولار، لیبرال‌ها پاک سازی شده بود فقط شیخ و شاه متحد و سرمست از پیروزی سر از پا را نمی‌شناختند.

با حمایت آیت‌الله کاشانی و دیگر آیت‌الله‌ها از کودتاچیان و همراه شدن با سیاست‌های امریکا و انگلیس در اتحاد با شاه اولین سنگ زیر بنای حکومت اسلامی نهادینه شد، تنفر از غرب باعث مرگ رو به رشد فرهنگ غرب و مدرنیسم شد شاه به عنوان یک دست‌نشانده غرب مورد نفرت بود فرهنگ مدرن جای خود را به فرهنگ اسلامی داد روستائیشینی بر شهر نشینی تقدس و مقدمتر و جایگاهی خاص یافت. تا آنجا آل‌احمد غرب زدگی را نوشت و مورد استقبال قرار گرفت علی شریعتی سخن از اسلام به عنوان آلترناتیو حکومت پرده برداشت و علی امام شیعیان نماد عدالتخواهی شد، و اما حسین سرور آزادگان...

مخالفان سیاسی چه چپ و سکولار، لیبرال، و حتی گرایش‌های ملی‌گرایانه سرکوب شدند جامعه دچار یک بحران هویتی شد. با سرکوب روشنفکران و همکاری‌های روحانیون با شاه جامعه و مردم را به سوی اندیشه‌های اسلامی سوق دادند. مساجد چندین برابر شدند، طلبه‌ها و روحانیون از سربازی و مالیات نه تنها معاف بلکه حقوق بگیر دولت شدند، درس دینی در مدارس به متون درسی اضافه شد...

جامعه به یک عقب‌گرد اجتماعی پردرد، باری به هر جهت شد ...  
به جای علم و دانش بساط تعزیه راه انداختند، کم نیستند ایرانیانی که امروز هم هنوز در خارج از کشور کارشان سفره ابوالفضل و با حضور در حسینیه ها، رونق دهندگان تعزیه خوانی هستند...  
تا این حد غرق شدن در ذلت و بی تفاوتی، شاید بر اساس مماشات و بده و بستان باشد، که بی انصافی است.  
بی انصافی و- یا وجدان باختگی یک پدیده خاص، منحصر به فرد در بین ما ایرانیان خارج از کشور نیست.  
به جز تعدادی انگشت شمار، بقیه در خدمت حکومتند. یا در پی شوک رؤیاهایشان به امید کمک غرب، با رویای غیر ممکن همچون ترکها، که در پی بازگشت امپراتوری عثمانی ند.  
\*مدعی تمدن در گذشته های دور هستند، و به عکس ادعایشان با کوچکترین انتقاد، با قمه به سوی مخالفان به صورت گله ئی می تازند. جدا از آزار جنسی، تعرضی فیزیکی، تهمت و افتراء با پرچمی که نشانه مردسالاری ست، دندان های تیزشان را به عنوان تهدید به رخ می کشند..  
به نظر من، اینها در دنیای ساده خود، در گذشته های دور گم شده اند ..  
«تجزیه ایران»

برای من قبل از تجزیه ایران، قبل از هر تاریخ جعلی یا واقعی، قبل از قومیت و نژاد، جنسیت! انسان بودن و ارزشهای انسانی مقدمتر اند، مقدمتر از هر حزب و گروه به همین دلیل برای جارو کردن سیستم مذهبی حاکم بر ایران تلاش می کنم و در پی یک سیستم شورائی، با ارزشهای انسانی ام ...  
بی رحمی و حماقت دست انداران حکومت مذهبی جنایتکار در ایران، جامعه را به بر لب پرتگاه، نابودی و مرگ برده است .

خود کشی، قتل عام دولتی «اعدام»، ترور، اذیت و آزار جنسی بر اثر «آپارتاید جنسیتی» خفقان سیاسی و فقر گسترده تر، فساد افسارگسیخته... مردم ما را به سوی یک انقلاب همهگیر با گامهای بسیار جدی فرا می خواند و ما احزاب سیاسی چپ و سکولار، متمدن را بر سر حداقلها برای توافق سوق می دهد.  
شعار دفاع از تمامیت ارضی به معنای توهین به شعور مردم است . دامن زدن به تفرقه و نفرت، یک شعار مخرب و دفاع از جمهوری اسلامی ست، باید کنار زده شود طرفداران این شعار نه شایسته احترام ند و نه قابل اعتماد. برای من مدافعان شعار تمامیت ارضی ایران جای شک و تردید دارند .  
احزاب راست ایرانی به خصوص سلطنت طلب ها، شخص رضاپهلوی در تفرقه افکنی و دامن زدن به فرهنگ لمپنیزم همراه با ناسیونالیستها تا به حال با اظهار نظر های نابجا آب را به آسیاب حکومت اسلامی ریختند و باعث تداوم گستاخی بیشتر حکومت اسلامی شدند...

۱۱ جنوری ۲۰۲۵ میلادی "شمی صلواتی"

"شمی صلواتی"